

بلای ناترازی بانک‌ها بر سر معیشت مردم

بسیاری از کارشناسان معتقدند که وجود تسهیلات تکلیفی در قانون بودجه سال‌های اخیر، باعث فشار مضاعف به سیستم بانکی شده است؛ به‌طوری‌که در حال حاضر پرداخت حجم تسهیلات تکلیفی اشاره شده به دلایل مختلف خارج از توان واقعی شبکه بانکی است. به‌طورکلی افزایش نرخ تورم نیاز به سرمایه در گردش و تسهیلات بانکی را بیشتر از هرزمانی بالا برده است. این افزایش در حالی رخ می‌دهد، سرمایه‌های جدیدی در اقتصاد کشور ایجاد نشده و همین معیشت مردم را زیر تیغ بحران برده است. از سوی دیگر ازبانی تسهیلات بانکی نسبت به قیمت پول در بازار، تقاضای دریافت تسهیلات را افزایش داده است. به همه این موارد تسهیلات تکلیفی که دولت و مجلس روی دوش بانک‌ها می‌گذارند را هم باید اضافه کرد.

❖ دولت یکی از مهم‌ترین عامل ناترازی بانک‌هاست

به‌نازگی محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی به دلایل ناترازی بانک‌ها اشاره کرده و گفته است: بالای ۸۸ درصد تأمین مالی در کشور ما هم اکنون توسط بانک‌ها انجام می‌شود. حتی بخش زیادی از تأمین مالی دولت نیز بر دوش بانک‌هاست؛ طبیعی است که این موارد ناترازی بانک‌ها را افزایش می‌دهد. دولت یکی از مهم‌ترین عامل ناترازی بانک‌هاست، ناترازی دولت به بانک‌ها منتقل می‌شود. این در حالی است که کارشناسان معتقدند؛ ناترازی بانک‌ها به وضعیت غیرقابل دفاعی رسیده است و ریشه این مشکل نبود نظارت مقتدرانه و اثربخش بانک مرکزی و نهاد ناظر بر نظام بانکی است. برخی بانک‌ها با خلق پول دست به بنگاه داری بسیار گسترده زده‌اند در همین رابطه وحید شقاقی شهری، کارشناس اقتصادی می‌گوید: تا زمانی که انتظارات تورمی وجود نداشته باشد ناترازی‌ها در اقتصاد به ویژه نظام بانکی اثر خود را نشان نمی‌دهند. پدیدارشدن انتظارات تورمی و معضل ناترازی‌ها به بحران جدی تبدیل خواهد شد. این کارشناس اقتصادی با تأکید بر اینکه سیاست‌های بانک مرکزی در حوزه انضباط بانکی مهم است، گفت: اقداماتی را بانک مرکزی شروع کرده، ولی اینکه چه نتیجه‌ای حاصل خواهد شد بستگی به تداوم اصلاحات دارد. این استاد دانشگاه ادامه داد: در حوزه نظام بانکی نیازمند اصلاحات بسیار عمیقی هستیم. بسیاری از بانک‌های ما با ناترازی مواجه هستند، کفایت سرمایه لازم را ندارند و در کنار این موارد ساختارهای بانکی ما هم تورم زاست. یکی از ایرادات اصلی این است که بانک‌های ما به دلیل نرخ بهره منفی در اقتصاد ایران دست به بنگاهداری بسیار گسترده‌ای زدند و همین موجب تشدید انجماد منابع بانکی شده که حاصل آن تشدید ناترازی و بحث رشد نقدینگی بوده است بنابراین اگر واقعا دنبال مهار تورم هستیم حتما به اصلاحات بسیار اساسی در حوزه ساختار بانک‌ها نیاز داریم.

❖ تشدید انجماد منابع بانکی

شقاقی شهری اظهار کرد: ساختار بانک‌های ما به دلیل بحث مجوز سرمایه‌گذاری مستقیم که به آن‌ها داده شده به این صورت است که با خلق پول دست به بنگاه داری‌های متعددی زدند و موجب انجماد منابع بانکی، تشدید ناترازی بانک‌ها و تحمیل تحریم‌هایی به اقتصاد ایران شده است. به گفته این کارشناس اقتصادی، بنابراین بحث تورم برای سال آینده به مجموعه عوامل متعددی مرتبط است از بحث انتظارات تورمی گرفته تا شرایط تحریمی اقتصاد ایران، بحث انضباط بودجه، ناترازی اقتصاد کلان، سیاست‌های انضباط بخشی در حوزه نظام بانکی و تداوم اصلاحات ساختاری در حوزه بانکی که برخی از این اصلاحات می‌تواند در جهت مهار تورم باشد و برخی در جهت تشدید تورم، بستگی دارد سال آینده چه اتفاقاتی می‌تواند در سیاست‌های داخلی و خارجی و اثرگذار بر اقتصاد ایران رخ دهد.

❖ اخبار

وزیر راه و شهرسازی:

افزایش حجم مبادلات تجاری ایران و تر کمستان

وزیر راه و شهرسازی در آئین افتتاحیه نمایشگاه ایران پروژه در ترکمنستان بیان کرد: فعالان بخش خصوصی دو کشور اعم از تولیدکنندگان، بازرگانان و تاجران، شرکت‌ها و فعالان حمل و نقل، کارآفرینان و شرکت‌های دانش‌بنیان روز به عنوان خط مقدم توسعه روابط اقتصادی در چهارچوب حمایت‌هایی که در کمیسیون مشترک اقتصادی مورد تأکید است، بیش از گذشته به عنوان بازیگرانی کلیدی نقش آفرینی کنند.
مهرداد بذرشاش حضور فعالانه بیش از ۹۰ شرکت ایرانی در این نمایشگاه با عنوان «ایران پروژه» و در زمینه‌های متعدد بیناگر این واقعیت امیدوارکننده است که ظرفیت‌های عظیم بالقوه‌ای در راستای تقویت شرکات‌های راهبردی دو کشور و ایفای نقش توامان و هماهنگ و هم‌افزا و مشترک‌المنافع برد-برد در زنجیرهای تأمین و ایجاد ارزش از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب در دسترس است که ازآسازایی این ظرفیت‌ها مورد تأکید است.
وزیر راه و شهرسازی بیان کرد: بر اساس آمار موجود سال گذشته حجم مبادلات تجاری دو کشور حدود ۵۰۰ میلیون دلار بوده که نسبت به سال قبل رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است.



غلامعلی جعفرزاده‌ایمن آبادی در گفت‌وگوبا «آرمان ملی»:

با این روند هیأت‌های اجرایی مشارکت تحقق پیدا می‌کند؟



دولت باید پاسخگوی عمل هیأت‌های اجرایی باشد

آرمان ملی – حمید شجاعی: ماه‌ها پیش از اینکه پیش ثبت‌نام‌های انتخابات مجلس آغاز شود و بسیاری بر این باور معتقد بودند که انتخابات پیش‌روی مجلس نیز درست طبق روال انتخابات مجلس یازدهم در اسفندماه سال ۹۸ حداقلی بر گزار خواهد شد و با توجه به اینکه همه ارکان حاکمیت نیز یکدست شده‌اند به نظر می‌رسد به طریق اولی در انتخابات اسفند پیش‌رو نیز همین روند را شاهد باشیم. هرچند که برخی مطرح می‌کردند که انتخابات مجلس دوازدهم در فضای بازتر و رقابتی‌تر بر گزار خواهد شد و شاهد حضور همه سلیقه‌ها و جناح‌های سیاسی در انتخابات خواهیم بود تا در نهایت مشارکت بالایی را تجربه کنیم. سخنان مقام معظم رهبری نیز در راستای مشارکت حداکثری و برگزاری انتخاباتی باشکوه بوده و هست، اما روند بررسی صلاحیت‌ها در هیأت‌های اجرایی نشان داد که گویا بر نامه خالص‌سازی به‌طور عمیق‌تری در جریان است و ردصلاحیت منتقدان دولت چه از جریانات سیاسی و چه‌رها و نمایندگان ادوار و چه از نمایندگان فعلی نشان داد که گویا قرار است صرفا موافقین وارد گردونه انتخابات شوند. هرچند هنوز عده‌ای معتقدند که در مرحله دوم شورای نگهبان در بررسی مجدد بخشی از رد شده‌ها را باز خواهند گرداند، اما باید دید چه میزان باز خواهند گشت و چه تأثیری بر مشارکت مردم خواهد گذاشت. در این راستا برای بررسی عملکرد هیأت‌های اجرایی، مولفه‌های انتخابات مشارکتی و نوع موضع‌اعتدالیون «آرمان ملی» با غلامعلی جعفرزاده‌ایمن آبادی، نماینده‌ادوار مجلس و رئیس فراکسیون مستقلین مجلس دهم به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

از دارید، با آبروی افراد بازی می‌شود و نامه می‌دهند که به فلان جهت تودهنه نظام هستی چون یک بار نشر اکاذیب کردی که آن هم اشتباه می‌کنند. من اسنادی دارم که اینگونه نیست. البته قصد ندارم که خودم را بگویم ولی این آبرویی که از آدم‌ها می‌برند کجاست؟ هیأت‌های اجرایی ضعیف عمل کردند.

پیش‌بینی می‌شد که اصلاح‌طلبان با برخی اعتدالیون ردصلاحیت شوند، اما خیلی از نمایندگان مجلس یازدهم که منتقد دولت بودند نیز رد شدند؛ اساسا موضع و هدف هیأت‌های اجرایی از این رد صلاحیت چه بوده است؟
ببینید طرف به گوش سرباز زده و مردم را بدبین کرد. نمایندگان ماشین گرفتند، اما همه تأیید شدند. بعد ۲۸۰ نفر آدم منتقد که انتقاد از سر دلسوزی می‌کردند را ردصلاحیت کردند. اصلا نمی‌خواهم به آقای پرشکیان اشاره کنم، اما همین آقای پرشکیان را بیاورید به میدان ولیعصر تهران ببینید چند نفر از مردم تهران پشت او نماز می‌خوانند. خب این چه کاری است چرا انرژی می‌گذارند تا مردم را ناامید کنند؟ الان ناو آینه‌پاور آمده و از گوش ما رد شده و الان برای اینکه یک تودهنی به ناو امریکایی و ناوهای انگلیس بزنیم باید یک مشارکت ۷۵ تا ۸۰ درصد داشته باشیم. به نظر شما با این تنگ نظری هیأت‌های اجرایی اصلا مشارکت بالا تحقق پیدا می‌کند؟ مردم تازه داشتند بر اساس فرمایشات رهبری به انتخابات امیدوار می‌شدند اما هیأت‌های اجرایی به امید مردم آسیب زدند.

برخی معتقدند که با وجود ردصلاحیت‌ها از سوی هیأت‌های اجرایی در مرحله دوم شورای نگهبان بخشی از ردصلاحیت‌شده‌ها را به عرصه رقابت باز خواهد گرداند تا پالس مثبتی هم به مردم در جهت مشارکت بیشتر داده شود؛ نگاه شما به این موضع چگونه است؟

من واقعا نمی‌توانم قضاوت کنم. چند سناریو مطرح می‌کنند که یکی همین چیزی است که شما می‌فرمایید. یعنی چون شورای نگهبان تحت نظر رهبری است عکس این قضیه باشد، اما برخی دیدند که اگر تعلل کند شورای نگهبان مخالفانش را به مجلس می‌فرستند. چون مبنای شورای نگهبان نظام است. نگرانی که من دارم همین است که مبنای هیأت‌های اجرایی نظام نبود و صرفا حفظ و آرامش دولت بود. لذا رویکرد هیأت‌های اجرایی با شورای نگهبان کاملا متفاوت است. هیأت اجرایی انتخاب نشده که از صیانت نظام و انقلاب دفاع کند بلکه هیأت اجرایی انتخاب شده که از دولت حمایت کند.

با وجود همه انتقادات دولت زیر بار عملکرد هیأت‌های اجرایی نمی‌رود و اخیرا وزیر کشور نیز گفته که دولت کوچک‌ترین دخالتی در هیأت‌های اجرایی و تصمیم‌ایشان نداشته است.

من سوال شما را واضح می‌کنم که هیأت‌های اجرایی را چه کسی انتخاب کرده غیر از دولت؟ اگر دولتی که هیأت اجرایی را انتخاب می‌کند زیر بار مسئولیتش نمی‌رود باید به چه کسی مراجعه کنیم؟ مگر هیأت‌های اجرایی خودشان خودشان را انتخاب کردند؟ مشخص است که فرمانداران انتخاب کردند و الان هم باید در مقابل عملکرد هیأت‌های اجرایی پاسخگو باشند. خیلی واضح حرف می‌زنیم و چیز پیچیده‌ای نمی‌گوییم. می‌گوییم هیأت اجرایی را فرمانداران و از مجموعه وزارت کشور هستند انتخاب کردند. مگر می‌شود یک عده را انتخاب کنید و کاری را به آنها بسپرید و سپس بگویید من در قبال عملکرد آنها مسئول نیستم؟ پس چه کسی مسئول است؟ برخی

مشارکت در سایه رقابت شکل می‌گیرد و وقتی مردم افرادی که دوست دارند را در میان کاندیداها

نبینند چگونه مشارکت کنند؟ وقتی

شخصی که نماینده مردم است به هر

نحوی حذف شده و در خانه نشسته

و در انتخابات نیست چگونه می‌توان

انتخابات پرشور و مشارکتی داشت.

ما با انسان‌ها روبه‌رو هستیم و با

افراد معصوم که روبه‌رو نیستیم. باید

شخص بالاخره یک‌گناه بزرگی مرتکب

شده تا اینگونه رد شود، اما طرف یک

لغزش کوچکی داشته که با یک تذکر و

ارشاد حل می‌شد. اینقدر سخت‌گیری

برای چیست؟ این درست که سخنگوی

شورای نگهبان بگوید ۵۵۰۰ نفر به

رد صلاحیت خود اعتراض دارند؟ این

حرف زببنده‌ای است؟

گفته‌ها دلایل نمی‌شود. در محافل سیاسی و نخبگان بروید ببینید یک نفر اینگونه حرف‌ها را قبول می‌کند؟
❖ اخیرا از سوی تندروها گفته می‌شود که مجلس دوازدهم باید از مجلس یازدهم انقلابی‌تر شود؟

واقعیت امر اینکه مردم ایران به طور کل انقلابی‌اند و یک یا دو درصد هستند که خدای ناکرده نسبت به نظام نگاه‌های مخالف دارند، اما نکته بسیار مهم این است که آنهايي که منتقد هستند ضد انقلاب نیستند و خیلی تفکر کوچکی است که بگویند هر کسی یا ما نیست علیه ماست. مثلا مردم می‌گویند آقای راکانی شهر تهران را به هم ریخت و نقد دارند. خب اگر نقد می‌کنند یعنی به هستند؟ آقای راکانی یا قالیباف و رئیس مگر انقلاب هستند که انتقاد به آنها ضد انقلاب بودن باشد. همه باید مثل شهید رجایی باشند که شش ماه مسئولیت داشت، اما هنوز که هنوز است مردم آفسوس شهید رجایی را می‌خورند. مسئولان به جای سیاسی کاری خدمت کنند و مردم خودشان متوجه می‌شوند که شرایط از چه قرار است.

❖ نوع همه‌ها به آقای روحانی به جهت شرکت در انتخابات مجلس خبرگان را نیز در همین راستای خالص‌سازی می‌بینید؟

فکر نمی‌کردند که آقای روحانی آدمی نباشد که خسته شود و در ذهیشان نبود، اما آقای روحانی مرد و مردانه آمد و تا آخر هم ایستاده است و در جنگ روانی همه‌های اینها هم کم نیاورد و کار کشنگی کرد و در انتخابات آمد و تکلیف خود را انجام می‌دهد و امیدوارم که خدای ناکرده نسبت به حذف آقای روحانی هم اقدام نکنند.

❖ با توجه به اینکه احتمالا بخشی از رد صلاحیت شدگان به صحنه انتخابات باز خواهند گشت فکر می‌کنید اعتدالیون با چه روش و منشی وارد انتخابات شوند؟

من فکر می‌کنم به رغم اینکه اصلاح‌طلبان واقعا اشتباه کردند در انتخابات حاضر نشدن ولی شورای نگهبان در عملکرد هیأت‌های اجرایی بازنگری خواهد کرد و فضا گرم خواهد شد و مردم وقتی ببینید که کسی از این حدیفات و خالص‌سازی را جلوگیری می‌کند اتفاقات خوبی خواهد افتاد. فکر می‌کنم باز هم بخش عمده اصلاح‌طلبان که دلسوزان نظام هستند به این جریان کمک خواهند کرد.

هیأت‌های اجرایی را چه کسی انتخاب کرده غیر از دولت؟ اگر دولتی که هیأت

اجرایی را انتخاب می‌کند زیر بار مسئولیتش نمی‌رود باید به چه کسی مراجعه

کنیم؟ مگر هیأت‌های اجرایی خودشان خودشان را انتخاب کردند؟ مشخص است که

فرمانداران انتخاب کردند و الان هم باید در مقابل عملکرد هیأت‌های اجرایی پاسخگو

باشند. خیلی واضح حرف می‌زنیم و چیز پیچیده‌ای نمی‌گوییم

دزه بین

باز هم ماجرای نفت در برابر امنیت

لزوم بازنگری

روابط آمریکا و عربستان

اگرچه روابط دوجانبه ایالات متحده آمریکا و عربستان سعودی در حال بهبود است، ابهامات و ماهیت معامله‌گونه پیمان نفت در برابر امنیت ۱۹۴۵ بی‌اعتمادی و تنش‌های متقابل را موجب شده است. به هر حال، تلاش برای رفع یا تثبیت رابطه یک مسئولیت مشترک است و عربستان به نوبه خود، باید تلاش جدی و قابل اثبات را برای رفع نگرانی‌های آمریکا از جمله حقوق بشر، سیاست تولید نفت، مراودات امنیتی با یکن و جنگ در یمن، انجام دهد. در همین حال، آمریکا باید چارچوب امنیتی خود را با این پادشاهی بازسازی و آن را در برابر تهدیدات چندوجهی کارآمدتر کند. از نظر سعودی‌ها، حفاظت و حمایت خارجی بزرگ‌ترین دغدغه اصلی آنها در روابط با واشنگتن است. بنابراین، درک کامل‌تر این نگرانی و مهم‌تر از آن، چگونگی توجه به آن، می‌تواند در خدمت اهداف آمریکا باشد. در حالی که میان مقامات و ناظران آمریکا و عربستان در لزوم ارتقای بیشتر روابط دفاعی دو کشور اجماع وجود دارد، هیچ بحث جدی در مورد چگونگی دستیابی به این امر در سطح راهبردی تر، دیده نمی‌شود. زمان آن فرا رسیده است که واشنگتن و ریاض روابط امنیتی خود را مطابق با اولویت‌های تازه ژئوپلیتیکی آمریکا و الزامات دفاعی تازه عربستان، تنظیم کنند. یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها و چالش‌های واشنگتن در عربستان سعودی کمک به پادشاهی برای تأمین امنیت خوداست. دکترین کارتر ۱۹۸۰ در زمان صدور خود بسیار مهم بود، اما مفهومی ناقص برای همکاری امنیتی آینده میان آمریکا و عربستان دارد، زیرا همچنان یک خیابان یک طرفه است. عربستان با وجود کاهش اعتقاد به تمایل آمریکا برای محافظت از آن، همچنان برای افزایش مشارکت امنیتی با آمریکا ارزش قائل است. روابط دیپلماتیک آمریکا و عربستان به سال ۱۹۳۳ بازمی‌گردد، ولی در سال ۱۹۴۵ با دیدار مخفی فرانکلین روزولت و ملک عبدالعزیز در رزمناو آمریکا در کانال سوئز، هر چه بیشتر تقویت شد. آشکارترین ابراز حمایت امنیتی آمریکا از عربستان سعودی (و سایر کشورهای عربی خلیج فارس) تنها ۳ دهه و نیم بعد از طریق دکترین کارتر رخ داد. جیمی کارتر که نگران تهاجم احتمالی اتحاد شوروی به خلیج نفت خیز فارس پس از حمله آن به افغانستان در سال ۱۹۷۹ بود، در ۲۳ ژانویه ۱۹۸۰ در سخنرانی خود اعلام کرد که آمریکا در صورت لزوم از منابع نظامی خود برای حفظ منافع آمریکا استفاده خواهد کرد. بزرگ‌ترین آزمون دکترین کارتر در ماه مه ۱۹۹۰ و زمانی بود که صدام حسین کویت را تصرف کند. آمریکا از آن جهت تصمیم به مداخله گرفت که دریافت خطر اجازه دادن به دیکتاتور عراق برای تسلط بر منابع عظیم انرژی خلیج فارس بسیار زیاد است. سعودی‌ها در این تصمیم‌گیری واشنگتن مشارکت داشتند. برای آمریکا، تأمین امنیت عربستان سعودی و آزادسازی کویت در خدمت هدف راهبردی گسترده‌تری از جمله حفظ نظم منطقه‌ای این دوست آمریکا بود. به بیان کمتر دیپلماتیک، ایالات متحده هیچ وابستگی یا تعهد قانونی خاصی در قبال سعودی‌ها یا کویتی‌ها نداشت. اگر صدام اهداف کمتر حداکثری را انتخاب و اقدامات کمتر افراطی را دنبال می‌کرد شاید واشنگتن به این شدت مداخله یا حتی از روز استفاده نمی‌کرد. عربستان در سال ۱۹۹۶ در وضعیت مشابهی قرار گرفت که در سال ۲۰۱۹ مهلک تر شد. در سال ۱۹۹۶، عوامل سعودی که ادعا شد در لبنان آموزش دیده بودند مجتمع مسکونی الخبر را منفجر کردند که به کشته شدن ۱۹ نفر از کارکنان نیروی هوایی آمریکایی که به کشته شدن ۱۹ نفر از کارکنان نیروی هوایی آمریکایی و زخمی شدن صدها نفر دیگر از جمله شهروندان سعودی منجر شد. بیل کلینتون تصمیم گرفت که وارد عمل نشود. سعودی‌ها به انتظا داشتند که می‌خواستند این موضوع بر آمریکا وارد جنگ شود. البته، میان امنیت فیزیکی عربستان سعودی (یا هر شریک دیگری) و منافع آمریکا ارتباط وجود دارد. به عنوان مثال، اگر سعودی‌ها نتوانند به علت ضربه به زیرساخت‌های آن، به اندازه کافی نفت پمپاژ کنند این موضوع بر منافع انرژی آمریکا و اقتصاد آن تأثیر می‌گذارد. اما این رابطه مستقیم نیست و موارد احتمالی پیچیده در آن نقش دارد. حملات حوثی‌ها به عربستان یک سوال کلیدی را در رابطه با آینده روابط امنیتی آمریکا و عربستان ایجاد می‌کند: درک محیط راهبردی در آن تهدید امنیت عربستان بسیار پیچیده‌تر از گذشته است و در جایی که منافع آمریکا در خاورمیانه و اولویت‌ها آن در سراسر جهان به طور قابل توجهی تغییر کرده، چه چیزی از دکترین کارتر باقی مانده است؟ این تردید وجود دارد که آمریکا روابط امنیتی خود با عربستان را به یک اتحاد ارتقا دهد. در میان مردم آمریکا و اکثر نخبگان آمریکایی هیچ تمایلی برای ایجاد یک اتحاد رسمی با سلطنت مطلقه‌ای مانند عربستان سعودی وجود ندارد.

تیزار آمریکا به عربستان

آمریکا در زمانی که تمرکزش بر جلوگیری از تبدیل شدن چین به یک قدرت سلطه در آسیاست، به سادگی نمی‌تواند با همه یا حتی برخی از این کشورها اتحاد برقرار کند و منابع نظامی بیشتری را به خاورمیانه اختصاص دهد. همکاری امنیتی آمریکا در عربستان، خاورمیانه و احتمالا نقاط دیگر باید تکامل یابد و از نظر اهداف، بلندپروازانه‌تر شود. دیگر برای واشنگتن کافی نیست که از این ابزار حیاتی برای دسترسی نظامی و پایگاه در منطقه، فروش تسلیحات، توسعه روابط سیاسی با رهبری محلی، یا حفظ توافقات صلح محیط راهبردی در آن تهدید امنیت عربستان آمریکا، طبق تعریف خود وزارت دفاع، باید به دنبال ایجاد انگیزه موثر تر و توانمندسازی شرکای منطقه‌ای برای تأمین امنیت خود باشد و در صورت لزوم، در عملیات مشترک به رهبری آمریکا در تعقیب منافع امنیت جمعی شرکت کند. عربستان سعودی به آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین تأمین‌کننده امنیت و تسلیحات خود نیاز دارد. آمریکا نیز به عربستان سعودی نیاز دارد. این احتمال وجود دارد که آمریکا مجبور شود دوباره در منطقه بجنگد. با این حال، تفاوت اساسی در جنگ احتمالی بعدی این است که واشنگتن نمی‌خواهد به تنهایی بجنگد و به متحد منطقه‌ای خود نیاز دارد.